

اسپانسر پرسپولیس در آستانه فسخ قرارداد

شایعه‌ای جدی در باشگاه پرسپولیس به گوش می‌رسد؛ پایان همکاری شرکت بهنام‌پیشرو کیش، اسپانسر رسمی قرمزها. شرکت بهنام پیشرو که در جریان خصوصی‌سازی دولتی پرسپولیس جلو آمد و به قصد حمایت از پرسپولیس قراردادی بالای ۲۰ میلیارد تومان با قرمزها امضا کرد، حالا بنابر اخبار موثق موجود در باشگاه مایل به ادامه همکاری با قرمزپوشان نیست. سررسید چک بعدی آنها به مبلغ ۵ میلیارد تومان فرادست که هنوز مشخص نیست آنها این چک را پاس می‌کنند یا نه؟! از آنجایی که پرسپولیس تیم پرحاشیه، پرمشکل و همیشه گرسنه است، اسپانسر پرسپولیس ظاهراً از سرمایه‌گذاری اولیه خود راضی نبوده و احساس می‌کند سودی از این حضور چند میلیارد تومانی عایدش نشده و نمی‌شود. بویژه که موضوع قراردادهای دوره محمد رویانیان با اسپانسر روی این بیراهن دست این شرکت را برای جذب آگهی بسته است و اساساً مشخص نیست آنها چگونه می‌توانند در پرسپولیس به درآمدزایی برسند. این خبری است که احتمال تکذیب شدنش هم وجود دارد چرا که برای مدیران وزارت ورزش عقبنشینی اسپانسر پرسپولیس یک شکست بزرگ محسوب می‌شود و شاید آنها همه کار بکنند تا اسب زین کرده قرمزها خالی نکند. باید در انتظار اعلام خبر رسمی شرکت بهنام پیشرو کیش در این باره بمانیم. ■■■

کی‌روش امیدوار از ایران رفت

کارلوس کی‌روش راضی از توافق با فدراسیون فوتبال و امیدوار به آینده، ایران را ترک کرد.در حالی که پس از اعلام توافق کلی فدراسیون فوتبال و کارلوس کی‌روش، این مربی پرتغالی هنوز درباره چند موضوع ابهام و دغدغه داشت اما بعد از ۲ جلسه‌ای که با علی کفاشیان، رئیس فدراسیون فوتبال برگزار کرد، درباره آنها هم به نتیجه رسید و با برطرف شدن ابهام‌هایش آماده تمدید قراردادش با فدراسیون شد.یکی از دغدغه‌های کی‌روش موضوع سرپرستی تیم ملی بود که ظاهراً پس از جلساتی که با کفاشیان داشته ابهام‌هایش در این باره برطرف شده و شرایط را برای شروع یک کار خوب در تیم ملی بسیار مساعد دیده است.این مربی پرتغالی ۳۱ جولای (۹ مرداد) با فدراسیون فوتبال ایران قرارداد دارد و همواره در مصاحبه‌هایش تاکید می‌کرد تا پایان قراردادش در خدمت فوتبال ایران خواهد بود و برای ندانم همکاری هم مذاکره می‌کند اما او هیچ وقت قطعانه از امضای قراردادش سخن نمی‌گفت تا اینکه پس از آخرین صحبت با کفاشیان در عصر روز یکشنبه (پس از جلسه با مسؤلان سازمان لیگ) ابهام‌هایش برطرف شده و گفته است در بازگشت به ایران قراردادش را امضا می‌کند. او می‌خواهد تعاریف حقوقی بعضی از بندهای قراردادش را با وکیلش هماهنگ کند. کی‌روش در گفت‌وگوی کوتاهی با خبرنگار ایسنا در پاسخ به این سؤال که چقدر احتمال دارد او برای هدایت تیم ملی ایران به تهران بازگردد، گفت: امیدوارم که این اتفاق بیفتد!

رحیمی: اموال پرسپولیس توقیف نشده

علیرضا رحیمی می‌گوید اموال باشگاه پرسپولیس توقیف نشده است.مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در گفت‌وگویی درباره توقیف اموال این باشگاه به خاطر شکایت کشتی‌گیران، اظهار کرد: چه کسی این موضوع را گفته است؟ اموال دولتی را که نمی‌شود توقیف کرد. اتفاق خاصی نیفتاده و همه چیز در باشگاه پرسپولیس به خوبی پیش می‌رود. رحیمی در واکنش به این صحبت سیاسی، رئیس هیأت مدیره پرسپولیس که گفته او برای رفع این مشکل حتی به کلانتری هم رفته است، گفت: خبر من هیچ جا نرفته‌ام و تعهدی هم نداده‌ام. اگر شما من می‌پرسید می‌گویم اموال باشگاه توقیف نشده است. ■■■

پولادی بزودی راهی اروپا می‌شود

«اسکای اسپورت» از مهرباد پولادی به عنوان یکی از بازیکنانی که بزودی راهی اروپا می‌شوند، نام برد. سایت شبکه تلویزیونی اسکای اسپورت در گزارشی نوشت: مهرباد پولادی در جام‌جهانی بیستم عملکرد خوبی با تیم ملی ایران داشت و توانست بازی‌های زیبایی را از خود به نمایش بگذارد. او به طور میانگین در هر بازی ایران ۶/۳ نکل موفق داشت که نشان می‌دهد در کارهای دفاعی بسیار موفق بوده است. با این وجود او هنوز در لیگ ایران بازی می‌کند و نتوانسته راهی تیمی در اروپا شود. عملکرد خوب پولادی باعث شده تا این بازیکن ایرانی مدنظر تیم‌های اروپایی قرار گیرد، اما این انتقال هنوز نهایی نشده است. ایران در اولین دیدار خود در جام‌جهانی ۲۰۱۴ برزیل برابر نیجر به تساوی بدون گل رسید و سپس با گل دقیقه ۹۱ لیونل مسی به آرژانتین باخت. پولادی در این دو مسابقه عملکرد خیلی خوبی داشت، اما در بازی سوم که ایران برای گل زدن جلو کشیده بود، نتوانست به تنهایی مانع فروپاشی دروازه ایران شود.



گزارش «وطن امروز» از سردرگمی استقلال و پرسپولیس

ورزشگاه آزادی متری چند؟

حسین جوادی

تنها جایی که می‌تواند یک‌شبه افزایش ۹۰۰ درصدی به وجود بیاید ورزش ایران است. رقم قرارداد ورزشگاه آزادی که زیر نظر شرکت توسعه و نگهداری و تجهیز مدیریت می‌شود برای هر بازی ۲۷۰ میلیون در نظر گرفته شده بود. تقریباً عددی که اگر هر کسی بشنود دود از مخیله‌اش بلند می‌شود. چیزی که هفته پیش از طرف مدیران ورزشگاه آزادی برای تیم‌های استقلال و پرسپولیس مطرح شد شبیه این بود که شاید بازی‌ها قرار است در ورزشگاهی در اندازه‌های امارات لندن یا سانتیاگو ورزشگاه آزادی برای تیم‌های استقلال و پرسپولیس بود این دو باشگاه برای این رقم نجومی و تخیلی اعتراض کنند تا همه چیز یکباره سیر نزولی به خود بگیرد و از رقم ۲۷۰ میلیون به ۵۰ میلیون تغییر کند. اعلام کوچ کردن این دو باشگاه بزرگ و پرهوادار به سمت ورزشگاه تختی مدیران شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی را تساند تا فقیه‌ها را پایین کشیده و دست از طمع کردن بردارند. اینجا سوالی پیش می‌آید که چرا چنین شرکت دولتی که ردیف بودجه مشخصی از سوی وزارت ورزش و برایش تعیین شده می‌خواهد باشگاه‌ها را سر کیسه کند؟ واقعا چه کسی است که نداند ورزشگاه آزادی از حداقل امکانات رفاهی برخوردار است،گفتن این مساله و مشخص شدن آن فقط با یک بار رفتن به این ورزشگاه برایتان مسجل می‌شود. آنوقت مسؤولان مربوط خیلی راحت چنین رقم نجومی را مطرح می‌کنند و بعد از فشارهای ایجاد شده



چرا آلمان سزاورا قهرمانی بود؟

دیواری که فرو ریخت

اولی هسه: یوآخیم لو تقریباً یک ساعت پس از قهرمانی

تمیش در جام‌جهانی ۲۰۱۴ گفت: «هیچ‌کسی به اندازه ما سزاورا کسب این قهرمانی نبود.» هوادارانی که از تلویزیون خانه‌هایشان باشند بازی را تماشا می‌کردند هم نمی‌توانستند بیشتر از این با حرف‌های لو موافق باشند چون آنها دقیقاً می‌دانستند که او دارد از چه چیزی حرف می‌زند. لو درباره فینال با تورنمت حرف نمی‌زد. او از ۸ سال گذشته می‌گفت: زمانی که او در ادامه مصاحبه‌اش گفت این قهرمانی مرون تلاش‌هایی است

که از ۸ سال پیش آغاز شد، شنودگان حرف‌هایش به یاد خاطره تلخ و دردناک ناکامی مرحله نیمه‌نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ در خانه افتادند و صحنه تکل اسپانیا به آلمان در فینال بیور ۲۰۰۸ از پیش چشمان‌شان گذشت. آنها به جام جهانی ۲۰۱۰ فکر می‌کردند، زمانی که دلفرب‌ترین تیم‌زن‌ها یا اختلافی ناچیز به اسپانیا باخت و از رسیدن به فینال بازماند. آخر از همه نیز خاطره غم‌انگیز شکست به ایتالیا در نیمه‌نهایی بیور ۲۰۱۲ برایشان نداعی شد که زخمش هنوز کامل التیام نیافته بود. به خاطر همه اینها بود که آنها هنگام شنیدن حرف‌های لو سرشان را به نشانه تایید تکان می‌دادند. بله، هیچ‌کسی بیشتر از آلمان لایق قهرمانی در جام جهانی نبود. اما درباره بقیه چطور؟ درباره تمام چیزهای دیگری که مردم سایر کشورها از ما نویسندگان و خبرنگاران آلمانی درباره جام‌جهانی پرسیده‌اند و کمتر ملموس بود. درباره اسمبل‌گرایی، پیام مخفی چه؟ تمام اینها چه معنایی دارند؟ هیچ چیز. این فقط فوتبال است مردم. حتی نمی‌توانم بشمارم تعداد دفعاتی را که درباره این تیم جدید، جوان و چندفرهنگی به‌عنوان نماینده‌ای از یک کشور از من سوال پرسیده شده است. سوال خوبی است چون اینطور نشان می‌دهد که خیلی‌ها تأثیر این فاکتورها بر عملکرد تیم می‌دانند. مسلماً این طرز تفکر در ذهن مردم زیادی وجود داشت، زمانی که تیم زیر ۲۱ ساله‌های آلمان در سال ۲۰۰۹ قهرمان اروپا شد. ۶ بازیکن از آن تیم در همان تیمی بودند که در ماراکانا برابر آرژانتین بازی کردند و این همان چیزی بود که وولفگانگ نیرزباخ، رئیس فدراسیون فوتبال آلمان با افتخار به آن اشاره می‌کرد. مهم‌تر از آن اما ساختار تیم ۲۰۰۹ بود. بازیکنان آن تیم، نژاد و ملیت‌های مختلفی داشتند: (آندریاس یک) روسیه، (سباستین بوئنیش) لهستان، (برومه بوآننگ) غنا، (دنیس ائوکو و چیندو ادو) نیجریه، (فابیان جانسون) آمریکا، (کونسالوو کاسترو) اسپانیا، (سامی خدیرو و آنتیس بن هائیرا) تونس، (اشکان دژاکه) ایران، (مسعود اوزیل) ترکیه؛ همه این بازیکنان نتوانستند به تیم اصلی‌زن‌من‌ها راه پیدا کنند و برخی از آنها حتی تصمیم گرفتند برای تیم‌های ملی دیگری بازی کنند اما به هر حال آن تیم، چندملیتی‌ترین تیمی بود که به نمایندگی از



راحت‌ترین راه ممکن حل کردن مشکلات از سمت وزارت ورزش است، پیشنهادهایی که از سوی تاج ملی کفاشیان مطرح شده بود بوی همین استدلال را می‌دهد. کفاشیان اعتقاد داشت این رقم (۲۷۰ میلیون) غیرکارشناسی بوده و در توان باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس نیست. کفاشیان به ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس پیشنهاد کرد در صورتی که چنین رقمی واقعا مطرح شده، دیدارهای خود را به دیگر ورزشگاه‌های تهران انتقال دهند. همچنین مهدی تاج که به نظر می‌رسد با مسؤلان استاندارد آزادی نیز اختلافات زیادی دارد، به سرخابی‌ها پیشنهاد می‌دهد ورزشگاه دیگری را برای میزبانی در آن در بازی‌های خانگی به سازمان لیگ معرفی کنند. با این اوصاف به نظر می‌رسد سازمان لیگ نیز حاضر به پرداخت مبلغی بابت تبلیغات محیطی و بلیت‌فروشی به ورزشگاه آزادی نیست، اگر چه تاج تنها راهکار حل این مشکل را دخالت مسؤلان وزارت ورزش دانسته است.

■ جنگ بر سر هیچ و پوچ

مصطفی مدر دربره ۴ برابر شدن اجاره‌بهای دو استاندارد ورزشی آزادی و تختی به سایت وزارت ورزش‌وجوانان گفته بود درست نیست که این موضوع را به این شکل مطرح کنیم چراکه اجاره استاندارد آزادی سال قبل ۴۵ میلیون تومان بود که سالانه ۲۰ درصد افزایش دارد و امسال حدود ۵۰ میلیون تومان خواهد بودی و اشاره به رقم ۲۷۰ میلیونی اجاره‌بهای ورزشگاه آزادی که پیش از این اعلام شده بود، بیان



آلمان در یک تورنمت حضور پیدا می‌کرد و به طور گسترده به‌عنوان نماینده‌ای برای تغییر اجتماعی محسوب می‌شد. ۴ بازیکن از آن تیم همچنین مهره‌های کلیدی تیم ملی آلمان بودند و در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی حضور داشتند: نویر، بوآتنگ، اوزیل و خدیرو! این بدان معناست که اگر آلمان در آفریقای جنوبی تا کسب عنوان قهرمانی پیش می‌رفت و قهرمان می‌شد، کمی نمادگرایی به آن پیروزی گرهِ می‌خورد. مردم به آن تیم نگاه می‌کردند و موفقیت آنها را موفقیت یک جامعه کاملاً چندملیتی می‌دیدند، اکنون اما پس از گذشت ۵ سال از آن زمان، دیگر آن مساله، موضوع اصلی نیست. چنین مورد مشابهی را می‌توان درباره این واقعت تکرار شده گفت؛ واقعیتی که می‌گوید پیروزی در فینال از اهمیت خاصی برخوردار است چون نخستین قهرمانی این کشور در جام‌جهانی پس از اتحاد دو نیمه شرقی و غربی‌اش بوده است. ۱- البته ژرمن‌ها ۶ سال بعد از فروپاشی دیوار برلین توانسته بودند قهرمان جام‌ملت‌ها در انگلیس شوند. ۲- برخی دیگر از ادوار جام‌های جهانی در این زمینه بسیار مهم‌تر بوده‌اند. در سال ۲۰۰۲ مهم‌ترین بازیکن تیم ملی آلمان، میشائیل بالاک اهل آلمان شرقی بود. همین موضوع درباره بهترین بازیکن میسارن، برند اشتنایدر هم صدق می‌کرد. بالاک زنان دیگری هم مانند توماس لینکه یا یانس لمان بودند که در آن سسوی دیوار برلین به دنیا آمده بودند، زمانی که این دیوار هنوز با برج‌ها بود. در حقیقت یکی از عناصر اصلی برنامه فدراسیون فوتبال آلمان تلاش برای تبدیل کردن تیم ملی این کشور به نماینده‌ای برای تیم یک کشور جدید، مسممی، صلح‌دوست پس از اتحاد دو نیمه غربی و شرقی‌اش بود که مسلماً در رسیدن به آن موفق بود. حالا ۸ سال از آن روزهایی که لفظ غربی یا شرقی شنیده می‌شد، گذشته و این ۲ واژه دیگر بی‌معنا هستند. گواه این موضوع هم این است که اکثریت هواداران عادی تیم ملی آلمان نمی‌توانند به شما بگویند که تونی کروس تنها عضو تیم کنونی آلمان است که از شرق در میان‌ژرمن‌ها حضور دارد. او تنها ۲ ماه پس از فروپاشی دیوار برلین به دنیا آمد. زمانی که لو گفت قهرمانی‌اش از ۸ سال پیش استارت خورد، مطمئناً داشت به ۱۶ سال پیش فکر می‌کرد به آگوست سال ۱۹۹۸ که فدراسیون فوتبال آلمان ۲ برنامه بزرگ «پرورش استعدادها» را استارت زد. شاید بسیاری از مردم فراموش کرده باشند اما در واقع این برنامه به لطف توصیه برتی فوگتس آغاز شد. ۴ سال بعد فاز دوم و معروف‌تر این برنامه آغاز شد و در سال ۲۰۰۲ به صورت علنی اعلام‌و از ماه سپتامبر به‌اجرا درآمد. استعدادها اما به تنهایی نمی‌توانند برای شما قهرمانی در جام‌جهانی را به ارمان بیاورند بلکه زمانی به درد می‌خورند که در قالب یک تیم درآیند و به آنها بگویند که چگونه باید بازی کنند. این همان کاری بود که یورگن کلینزمن و یوآخیم لو در سال ۲۰۰۴ انجام دادند. آنها به تیم ملی آلمان هویت و شیوه‌ای جدید دادند به طوری که در سال‌های بعد مردم شروع به دوست‌داشتن آلمان کردند. به همان اندازه که قهرمانان معجزه‌برن سال ۱۹۵۴ را دوست داشتند. آلمان در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ با اوج محبوبیت خود رسید اما در ۲ سال گذشته شک و تردیدها دوباره افزایش پیدا کرده بود. زیاد بودند تعداد کارشناسانی که می‌گفتند آلمان یاد گرفته چگونه جذاب‌بازی کند اما فراموش کرده که چگونه باید برود. آنها بازیکنان را به بی‌انگیزگی متهم می‌کردند. لو و بازیکنانش اما سرانجام طرز تفکر اشتباه منتقدان را به آنها ثابت کردند. قهرمانی در جام جهانی در وهله اول یک پیروزی برای آلمان جدید و متحد چند فرهنگی نبود بلکه یک پیروزی برای اعتباربخشی به فوتبال جدید آلمان بود.

پاراسی جدید: مسی جدید

وعده‌های شیرین لوئیس انریکه

سرخ سی سولنه: انقلاب و تحول در بارسلونا از ماه گذشته آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. این تیم در همه پست‌ها تغییراتی داشته و خواهد داشت و انریکه مربی جدید این تیم نیز در مصاحبه آخر خود وعده یک بارسانی کاملاً متفاوت با ایده‌هایی جدید در فصل جاری را داد. بارسانی جدید با یک مسی جدید و متفاوت، لئو مسی یاسور؛ لئو مسی گلزن. اینها ۹ وجه متفاوت بازی لئو مسی هستند. بازیکنی که پارها و پارها به‌سبب درخشش در گلزنی و دادن پاس گل به عنوان بهترین بازیکن بازی‌ها و تورنمت‌های مختلف انتخاب شده است. در فصل اخیر شاید هیچ بازیکنی به اندازه او نتوانسته به عشنوان یک کاندب در امر گلزنی موفق باشد. با انتخاب لوئیس انریکه به عنوان سرمری جدید بارسا و نیز خرید لوئیس سوارز، به نظر می‌رسد که برای مسی پست‌های جدیدی در بارسا تعریف خواهد شد. هدف از این کار به گفته انریکه، استفاده بیشتر از استعداد مسی و بازدهی بیشتر او در امر گلزنی و دادن پاس‌های نهایی به مهاجمان تیم است. انریکه در مصاحبه آخر خود صراحتاً اشاره کرد که بارسانی او برای حرفان قابل پیش‌بینی نخواهد بود و او به‌خاطر فلسفه بارسا و سیستم همیشگی این تیم ۳-۳-۴؛ از سیستم‌های دیگر صرف‌نظر نخواهد کرد. بدین منظور انریکه برای استفاده پهنه از مسی ۲ راه حل تعریف کرده است. یکی استفاده از مسی به عنوان مهاجم کادب، پشت‌نیمار و سوآرز ونزدیک‌تر از همیشه به محوطه جریمه و دور از جناحین است. مسی پشت ۲ مهاجم اصلی همراه با ۳ هافبک دیگر شکل یک لوزی را می‌سازند و دومی استفاده از سیستم ۳-۲-۴. در سیستم دوم سوآرز مهاجم هدف خواهد بود و مسی، اینیستا و نیمار جلوتر از پوسکتس و ماسگرانو بازی خواهند کرد. مسی بین اینیستا و نیمار دقیقاً پشت سوآرز بازی خواهد کرد. در هر دو سیستم به مسی توپ‌های بیشتری می‌رسد و او می‌تواند به روند مثبت خود در گلزنی و دادن پاس گل ادامه دهد، بدون اینکه مجبور باشد در تله مدافعان حریف اسیر شود. از فصل ۲۰۰۸ مسی برای بارسا ۳۱۲ گل زده و ۱۱۱ پاس گل داده است؛ بیشتر از هر بازیکن دیگری. انریکه به‌خوبی از این امر آگاه است و نمی‌خواهد تحت هیچ شرایطی مسی فدای حضور سوآرز در ترکیب بارسا شود. به نظر می‌رسد که در بارسانی جدید ما مسی جدیدی را نیز شاهد خواهیم بود حداقل انریکه پارها بر این امر تاکید

داشته است.

منبع: فوندو دپورتیوو



آسی

خامس رونمایی می‌شود

